

خانه ظالمان

۲۱ شهریور ۱۳۹۴ ساعت ۲۱:۱۵

در آن اثناء زنی به تظلم و دادخواهی نزد وی رفت و گفت: زنی بیوه ام و چهار طفل نارسیده (کوچک) دارم

چون عمرو لیث صفاری (حک: ۲۶۵-۲۸۷ق) به نیشابور آمد لشکریان او در منازل مردمان فرود می آمدند و کار بر اهل شهر تنگ شده بود.

در آن اثناء زنی به تظلم و دادخواهی نزد وی رفت و گفت: زنی بیوه ام و چهار طفل نارسیده (کوچک) دارم

و مرا در این شهر چهار سرای (خانه) است که همه را لشکریان تو گرفته اند و من با طفلان خود در میان کوچه مانده ایم و خواری و رسوایی می کشیم. اگر حکم کنی که یک سرای از آن جمله را به ما بازگذارند از عدل و احسان تو بعید نخواهد بود.

عمرو در غضب شد و گفت: لشکریان من از سیستان خانه و سرا بار نکرده اند و بدین دیار نیاورده که مردم را تشویش ندهند. مگر تو در قرآن نخوانده ای که: «إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَ جَعَلُوا أَعِزَّةً أَهْلِهَا أَذِلَّةً وَ كَذَلِكَ يَفْعَلُونَ!» نمل/۳۴ (یعنی پادشاهان هنگامی که وارد منطقه آبادی شوند آن را به فساد و تباهی مملکتشوند، و عزیزان آنجا را ذلیل مملکت کنند؛ آری) کار آنان همینگونه است!

زن گفت: ای ملک! مگر آیه بعد را فراموش کرده ای؟ که در حق ظالمان و منازل ایشان می فرماید: «فَتَلِكَ بِيُوتِهِمْ خَاوِيَةً بِمَا ظَلَمُوا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ» نمل/۵۲ (یعنی این خانه‌های آنهاست که بخاطر ظلم و ستمشان خالی مانده؛ و در این نشانه روشنی است برای کسانی که آگاهند!)

عمرو لیث از شنیدن این آیه چنان متأثر شد که آب از چشمش روان شد و فی الفور حکم کرد که تمام لشکر از شهر بیرون روند و در صحرا خیمه و خرگاه زنند و ملازمان را گفت تا در زمان کوتاهی از روز شهر را از سپاهیان خالی کردند.

علی صفی، لطائف الطوائف، ص ۱۳۶.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/22016/ظالمان-خانه/>